



۲۰۲۰/۰۳/۰۴

محمد داؤد مومند

شاه محمود خان غازی



قسمت دوم

سردار محمد هاشم خان مدت ۱۷ سال به وظیفه صدارت ادامه داد، موصوف در راه امنیت در کشور و یک حکومت قوی مرکزی که به حکم اجبار شرایط آن زمان با تشدد و استبداد همراه بود، و تعقیب سیاست خارجی کشور به نحوی که سلامت کشور ایجاب می نمود و حفظ سیاست بیطرفی، مصدر خدمات بزرگی برای وطنش گردید. می توان گفت، خدماتی را که امیر آهنین عبدالرحمن خان ضیاء الملت و الدین در عصر و زمان خود انجام داد، صدراعظم آهنین سردار محمد هاشم خان نیز در دوره صدارت خود آن را به منصفه تطبیق گذاشت. دانشمند جید، استاد داکتر عبدالله کاظم به تاریخ یازدهم ماه فبروری در دریچه افغان جرمن در مورد امیر عبدالرحمن خان ارشادی دارند:

«... بسا از هموطنان همه اقدامات امیر آهنین را و فقط انگشت انتقاد بر استبداد او می گذارد.

در حالیکه این روش در آنوقت و تحت شرایط خاص آن زمان یگانه وسیله برای ایجاد ثبات و بیرون کشیدن کشور از سلطه صد ها زورمند و جلوگیری از تجزیه و از هم پاشیدگی کشور بود.

قضاوت بر آن دوره را نباید کاملاً تحت شعاع استبداد امیر قرار داده شود و اهداف دیگر امیر را به نظر اغماض نگرینست، جای شک نیست که ظلم و تعدی کار شایسته نیست، ولی نجات کشور از خانه جنگی و آوردن نظم و ثبات برای عامه مردم هم بدون مقابله و آوردن فشار میسر نمی باشد. بخصوص در آن عصر که اینکار معمول اعصار بود، نه به هدف قدرت شخصی، بلکه برای ایجاد ثبات و نظم و تطبیق قانون و عدالت و آسایش سرتاسری.

امروز که طرق دیگر زیر نام دیموکراسی در جهان حاکم است، با آن زمان فرق زیاد دارد.

به همین دلیل بر رسی مسایل آن دوره را باید بر طبق خصوصیات آن وقت مورد مطالعه و قضاوت قرار داد، در غیر این اگر موضوع از دریچه شرایط و معیارهای موجود دیده شود، آن وقت تمام رویداد های تاریخی با این معیارهای جدید ظالمانه و غیر انسانی پنداشته می شود، به شمول فتوحات اسلامی.»

من در حالیکه با نظر عالمانه و حکیمانه استاد کاظم صد در صد موافقم، متکی بر اصل استدلال بر سبیل مماثل، نظر شان در مورد روش استبدادی صدراعظم آهنین سردار محمد هاشم خان نیز بعد از دوره کوتاه مدنیت سوز سکوی که

دست آورد های بزرگان کشور مانند امیر شیر علی خان و غازی امان الله را در مدت نه ماهه خود با خاک یکسان ساخت، صادق میدانم.

داکتر صاحب کاظم در مورد دوره چهار ساله حکومت قهرمان نجات کشور، سپه سالار محمد نادر خان صادقانه و واقعیت‌آمیز چنین می‌فرماید:

«باید خاطر نشان کرد که محمد نادر شاه در مدت کوتاه چهار سال سلطنت خود موفق شد تا کشور را از جنجال جنگ داخلی نجات دهد و حکومت مرکزی را چنان به سرعت تقویه کند که بعد از امیر عبدالرحمن خان نظیر نداشت. موصوف شخص فعال، با درایت و صاحب انضباط قوی بود و اگر زنده می‌ماند، شاید بسیار معتدل از برادر خود محمد هاشم خان حکومت می‌کرد و در راه ارتقای کشور قدم می‌گذاشت.» ختم پاراگراف داکتر صاحب کاظم.

متأسفانه امروز نیز که طرق دیگر زیر نام دیموکراسی در جهان حاکم است، گروه های فاسد و مفسد جهادی، زیر نام دیموکراسی و در حقیقت تمسخر به دیموکراسی آرزومند تجدید دوره سقوی و انارشی و تجزیه طلبی و متلاشی ساختن شیرازه وحدت ملی و باشندگان مناطق کشور، از طرق زورگویی و شعار تاجک فوق همه، و تفتین و بلوا و بد سگالی و بد معاشی و تشکیل حکومت در حکومت و حکومت موازی و غیره چنان رذیلانه و شیدانه عمل می‌کنند که انسان را به سپاس‌گزارای حکومت استبدادی سردار محمد هاشم خان و سردار محمد داؤد خان وادار می‌سازد.

پادشاه مغفور کشور زمانیکه به سن بلوغ قانونی یعنی سن نژده سالگی می‌رسد، مصمم می‌گردد، که نقش خود را به حیث پادشاه کشور، خارج از حیطه تصامیم کاکای خود در مسایل کشوری بازی نماید، لذا تصمیم به عزل کاکای بسیار مقتدر خود یعنی سردار هاشم خان می‌گیرد.

نا گفته نباید گذاشت که پادشاه مغفور حیثیت یک گل خودرو را در محیط پرورش خود داشت، چنانکه کرکتر وی با کرکتر پدرش غازی محمد نادر خان و کاکایش سردار هاشم خان تفاوت کلی داشت، وی زیر دست راهنمایی و پرورش هاشم خان بزرگ شد ولی خواست شاگرد مکتب پلیسی سردار هاشم خان باشد.

جناب داکتر صاحب کاظم به استناد نوشته صدیق فرهنگ در مورد عزل سردار محمد هاشم خان می‌نگارند: «صدر اعظم به آسانی تسلیم به این کار یعنی استعفی نشد و در آخر، کار استعفی در حالی بر او تحمیل شد که افراد اردو اطراف قصر صدارت را احاطه کرده بودند، فرهنگ علاوه می‌کند به موجب روایت شفاهی میر عبدالعزیز خان رئیس دفتر خصوصی شاه، وی نامه سر بسته ای را که غالباً استعفی نامه بود، پس از نیم شب از جانب شاه به صدارت برده و صدر اعظم را از خواب بیدار ساخت. وی که از این پیش آمد سخت بر آشفته بود در مرحله اول از گرفتن نامه ابا ورزید، اما چون از موجودیت افراد اردو در اطراف قصر آگاه شد، تغییر رویه داده نامه را مطالعه کرد و در جواب گفت به اعلیحضرت عرض کنید که امر ایشان اطاعت می‌شود. ختم»

بدین ترتیب شاه یک تحول انقلابی را در ساحة حکومت به وجود آورد و با توظیف شاه محمود خان که مانند خودش طبیعت و کرکتر نرم داشت به وظیفه صدارت، دفعتهً فضای یک تنفس سیاسی را در کشور به ارمغان آورد و طلیعه بامدادانی، که رایحه یک نرمش را در پالیسی حکومت داری به ارمغان آورده بود به مشام می‌رسانید.

باور دارم برای روشنفکران معتدل و معقول و تحول طلب در آن شرایط زمانی، این یک مزده بزرگی بود که مایه مسرت و وجد شان شده باشد.

بزرگترین ارمغان این دوره، همانا یک نرمش یکصد و هشتاد درجه در حیات سیاسی در کشور یعنی تجربه اولین دیموکراسی در کشور بود.

آزادی نشرات، آزادی اجتماعات، آزادی بیان، آزادی جمعیت ها و احزاب و آزادی انتخابات پارلمانی و شاروالی ها و امثالهم از زمره کارهایی بود که آزادی خواهان و مشروطه خواهان و عناصر مترقی و تحول طلب انتظار آن را داشتند.

ولی یک عده عناصر انقلابی و تند رو فراموش کردند که گرچه شرایط ملی و جهانی تا یک اندازه، متقاضی همچو تحول و دگرگونی در پالیسی حکومت داری بود، ولی باز هم این تحول و دیموکراسی از بالا شروع شد و عمدتاً اعطاء کرم طبقات حاکمه در کشور بود، نمی توان به حیث یک دست آورد انقلاب مردمی که از پایین به بالا تحمیل شده باشد و در رأس آن، خود شخصیت های انقلابی قرار داشته باشد، شمرد.

همچو تند روی ها و اعمال افراطی موجب گشت که روزنه تنفس آزادی های مدنی بسته شود و طبعاً مسؤول آن افراطیت و نشناختن و حرکت در قطب مخالف نبض وقت و زمان بود.

محترم پوهندوی داکتر کاظم تحت عنوان «شتاب زدگی در ایجاد تحول»، کاملاً مبتنی بر ستون عقل و منطق، و فراست سیاسی که باید به خط زرین نوشته شود، چنین فرموده اند:

«به زعم ضرب المثل معروف که : با شگفتن یک گل، بهار نمی شود، و یک شبه، راه صد ساله را طی کردن محال است، عملیه رشد دیموکراسی نیز شب در میان تحقق نمی یابد و به وقت و زمان و تعمیم تدریجی ضرورت دارد.

طوریکه در بسا کشور های جهان، چندین دهه را در بر گرفته تا به شکل امروزی آن تدریجاً تکامل کرده است.

همان طوری که از یک درخت بی برگ در قعر زمستان نمیتوان توقع، حاصل داشت، مگر آنکه به تدریج برف ها آب شوند و شاخه های برهنه درخت برگ و شگوفه کنند و هوا رو به گرمی رود و غوره ها رو به پختگی روند و میوه ها قابل خوردن شوند. . . به همین ترتیب دیموکراسی نیز در یک کشور که تازه از ظلمت خود کامگی و قدرت های مطلقه سر بلند می کند، به اکمال و طی مراحل، قدم به قدم با تأمل و احتیاط نیاز دارد.

بخصوص آماده شدن ذهنیت ها برای بارور ساختن دیموکراسی و مردم سالاری از اهمیت خاص بر خوردار است و دست کم یکی دو نسل و حتی بیشتر را ایجاب می کند تا کتله مردم مکلفیت ها و وجایب قانونی را خود درک کرده و بر طبق آن خود را عیار سازند یعنی از حالت تقلید به رأی دهی به واقعیت های رأی دهی پی ببرند و بدانند که چرا باید برای رأی دهی بروند و آگاهانه تصمیم گیرند که رأی خود را به کی و در کدام موضوع بدهند.

این جاست که دیموکراسی بر مبنای قانون و تحت نظم خاص در جامعه رشد می کند و می تواند به طور واقعی تحقق یابد، در غیر آن دیموکراسی جز نام و فقط در چارچوب شکلیات باقی خواهد ماند. تمرین دیموکراسی نیز باید در فضای امن و حاکمیت قانون به پیش رود، در غیر آن وضع منتج به انارشی خواهد شد.

ادامه دارد



قسمت اول این نوشته را با کلیک بر لینک آتی مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/D_momand_shah_mahmood_khan_۱.pdf

یادونه: که چیری گران لوستونکی و غواری چی دی معززی لیکونکی مقالی هم ولولی، نو کولای سی چی، پر انخور باندی د «کلیک» په اجرا کولو سره د لیکونکی مقالی د «آرشیف» فهرست ته، لار بڼودنه تر لاسه کری!

شاه محمود خان غازی (قسمت دوم)

D_momand_shah_mahmood_khan_۲.pdf